

می‌دانیم که عکاسی طی سال‌های اولیه اختراع و رواج آن، بسیاری از زمینه‌های زندگی بشری را به سرعت تسخیر کرد. اما شاید بتوان گفت که مکان‌های مقدس چند دهه دیرتر وارد عرصه گسترده عکاسی شدند و تا سال‌ها به منظور حفظ حرمت مکان‌های مذهبی امکان ثبت تصویر از بناهای مقدس وجود نداشت و پیش از آن تنها طراحی و نقاشی‌هایی که از جایگاه‌های مقدس اسلامی منتشر می‌شد مایه ارضاء کنجکاوی اشخاص ممنوع از ورود به حریم‌های دینی مسلمانان، و حتی مشتاقان و آرزومندان مسلمان محروم‌مانده از زیارت مکان‌های مقدس بود و این تصاویر قلمی در واقع به نوعی امکان دیدار و زیارت مجازی را فراهم می‌کرد.

در واقع منع ورود غیر مسلمان به محوطه مکان‌های مقدس و عبادتگاه‌های اسلامی که ناشی از حفظ قداست و حرمت این مکان‌ها در آئین‌ها و فرهنگ‌های مشرق‌زمین است موجب اشتیاق هرچه بیشتر غیرمسلمانان به مشاهده از نزدیک یا داشتن تصویری تصویری از این مکان‌ها و آستان‌های متبرک بود. به همین سبب در برخی از سفرنامه‌ها و کتاب‌های مربوط به اماکن مقدس اسلامی که توسط مسلمانان نوشته می‌شد، طراحی تصاویری از این مکان‌ها گنجانده می‌شد و در پایان بعضی از این نسخه‌ها که بصورت خطی و چاپی موجود است تصریح شده است که «تصاویر مربوطه در همان مکان مقدس و با مشاهده مستقیم تصویرگری شده است».

از آنجا که ذات واقع‌گرایی عکاسی همواره باعث شده تا «عکس» به عنوان ابزاری صادق‌تر و حقیقتی‌تر از نقاشی پذیرفته شود، همواره عکاسان مستندنگار انگیزهٔ عکسبرداری از مکان‌های مقدس مذهبی را داشته‌اند. به منظور حفظ حرمت و قداست این جایگاه‌ها تاریخ عکاسی کمابیش شاهد اتفاقاتی است که بر اثر واکنش و جلوگیری مردم از عکسبرداری از مکان‌های مقدس برای عکاسان روی داده است. از نمونه‌های شاخص اینگونه حوادث که در ایران اتفاق افتاده کشته شدن روبرت ایمبری Robert W. Imbrie دیپلمات و عکاس آمریکائی است. ایمبری در دورهٔ مأموریت خود در ایران با مجلهٔ *National Geography* همکاری داشته و گزارش‌هایی مصور از آداب و رسوم و دیدنی‌های ایران برای این مجله تهیه می‌کرده است. در تیرماه سال ۱۳۰۳ش / ۱۹۲۴م، به دنبال پخش شایعهٔ وقوع معجزه در سقاخانه‌ای واقع در چهارراه آقا شیخ هادی تهران که با ازدحام و نذر و نیاز و دخیل‌بندی مردم همراه بود و این خود موضوعی تازه و توجه‌برانگیز برای هر عکاس و گزارشگر خارجی بشمار می‌آمد، ایمبری به همراه یک آمریکایی دیگر به قصد عکسبرداری به سقاخانه می‌روند، اما اقدام ایمبری به عکسبرداری منجر به درگیری آن دو با جمعیت هیجان‌زده‌ای که قصد جلوگیری از کار او را داشتند می‌شود و متأسفانه این درگیری بالا گرفته، به زد و خورد و سرانجام مرگ ایمبری می‌انجامد.<sup>(۱)</sup>

دربارهٔ واقعهٔ قتل ایمبری عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من<sup>(۲)</sup> مطالبی آورده است و قتل ایمبری را ناشی از تحریکات سیاسی دانسته، اما در این میان حساسیت و واکنش شدید مردم نسبت به عکسبرداری از یک سقاخانه که به نوعی مکانی متبرک تلقی می‌شده ولو به تحریک، قابل توجه است. عبدالله مستوفی در این کتاب آورده است:

... از بزرگان دین روایات بیشمار در فضیلت آب دادن به مردم نقل شده، و ساختن سقاخانه در معبر عام از این رهگذر است... در کشور ما هر کار همین قدر که در آن قصد تبرع مداخله داشته و محض‌الله باشد از اعمال مقدسه بشمار می‌آید. آقای متولی این کار خیر یعنی نگاهدارندهٔ سقاخانه هم چون کار خیری انجام می‌دهد البته تا حدی مقدس شناخته می‌شود... باری هنوز مردم از بهت آمدن تمثال از نجف بیرون نیامده و از اسف و افسوس بر قتل میرزاده عشقی خارج نشده بودند که موضوع معجزهٔ سقاخانه

(۱) دربارهٔ ایمبری و ماجرای کشته شدن وی در ویکیپدیا انگلیسی و فارسی مطالبی آمده است.  
 (۲) عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه، انتشارات زوار، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۱، ج ۳.

چهارراه آقا شیخ هادی در شهر منتشر شد... بعد از ظهر این روز ماژور ایمبری، کنسول یار دولت آمریکا که در آن واحد نماینده مجله جغرافیائی کشور آمریکا هم بود با لوین سیمور یکی از هموطنانش که در شرکت نفت جنوب ایران خدمت می‌کرده و بواسطه محکومیتی که داشته در کنسولگری آمریکا در حقیقت مدت حبس خود را می‌گذرانده است برای تماشای این اوضاع به سمت خیابان آقا شیخ هادی می‌روند. البته ماژور ایمبری با سمت نمایندگی که از طرف مجله جغرافیائی آمریکا داشته است بدش نیامده که برای مجله خود مقاله‌ای از ایران هدیه بفرستد. شاید محرک باطنی او برای این کنجکاوی هم همین مقاله‌پرانی در اطراف این سقاخانه بوده. در هر حال برای اینکه مقاله او کامل‌تر و عکسی هم ضمیمه داشته باشد دوربین خود را هم همراه برداشته است... باری ماژور ایمبری با این رفیق محکوم به جرم و مسبوق به خدمت در شرکت نفت جنوب خود به این تماشا می‌رود و می‌خواهد عکسی از سقاخانه بردارد، مردم مانعش می‌شوند و عبا‌های خود را جلوی دوربین او و سقاخانه حایل می‌کنند. هر عاقلی وقتی ببیند که صاحب بساط نمی‌خواهد عکسی از بساط او بردارد حقا باید به همان تماشا قناعت کرده راه عقب‌نشینی در پیش و سر خویش گیرد. ولی سرکار ماژور شاید به تشویق رفیق مظنونش اصرار می‌ورزد و چند بار جای دوربین را عوض می‌کند و در هر بار مردم بدون تعرض به او و با گرفتن عبا جلوی دوربین از این عکسبرداری جلوگیری می‌کنند...<sup>(۱)</sup>

موضوع ممنوعیت عکاسی از مکان‌های مقدس حتی تا به امروز نیز در زمره اصول و قوانین خانه کعبه باقی مانده است. می‌دانیم که ریاست خانه خدا اجازه تصویربرداری و عکس گرفتن از خانه خدا را به زائرین نمی‌دهد و زائرین اجازه حمل دوربین به داخل کعبه را ندارند. در این میان اگر شخصی پنهانی با دوربین یا گوشی همراه اقدام به عکاسی نماید و نگهبانان حرم متوجه این کار شوند با شدت عمل و گاهی با خشونت مانع این کار می‌شوند. اگرچه این‌گونه عکسبرداری‌ها از نظر شرعی و دینی منعی ندارد، اما ظاهراً به دلیل حفظ حرمت و قداست خانه خدا هرگونه تصویربرداری از آن مکان غیرمجاز است و از این‌رو است که وزارت حج عربستان ضمن اعلام هر ساله این ممنوعیت، تنها تحت نظارت خود اقدام به نشر تصاویر خانه کعبه نموده است. تا آنجا که من اطلاع دارم و در تاریخ عکاسی ایران آمده است نخستین عکس‌هایی

که از مکان‌های مقدس اسلامی گرفته شده است عکس‌هایی است که توسط آقا رضا عکاسباشی (اقبال‌السلطنه) و عباسعلی بیگ شاگرد آقا رضا در سفر خراسان و کربلا برداشته شده. این عکس‌ها که در سال‌های ۱۲۸۵ قمری و پس از آن برداشته شده است در آلبوم‌های مجموعه کاخ گلستان موجودند. پس از آن در سال‌های ۱۰ - ۱۳۰۰ قمری، طی سفرهایی که دوستمحمدخان معیرالممالک به شهرهای قم و مشهد داشته از حرم حضرت معصومه و بارگاه امام رضا، و یا از افراد خانواده و دوستان همراه در این سفرها در جوار حرم عکس‌هایی برداشته شده که برخی از این عکس‌ها در نزد نگارنده و سایر مجموعه‌های خصوصی موجودند. طی همین سال‌ها عبدالله میرزا قاجار نیز طی ماموریت‌هایی که به نقاط مختلف ایران داشته عکس‌هایی از مشهد و قم و شهر ری تهیه نموده است. لازم به ذکر است که نگارنده طی مقاله دیگری تحت عنوان «شیشه‌های آشفته، عکس‌های برجا مانده» که در مجله فرهنگی هنری بخارا شماره ۳۹، ۴۰ به چاپ رسیده به اشتباه انتساب تعدادی از این عکس‌ها به عبدالله میرزا قاجار اشاره نموده‌ام. پس از آن عکس‌هایی است که در سال ۱۳۱۷ هجری قمری / ۱۹۰۰ میلادی در سفر میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان (اتابک) و مخبرالسلطنه هدایت به دور دنیا و در عربستان در شهرهای مکه و مدینه توسط همراهان ایشان برداشته شده است. در سفر طولانی اتابک و مهدی‌قلی خان مخبرالدوله که از خاور دور آغاز شد آقا عبدالله از ملازمان مخبرالدوله با دوربین بزرگ سه‌پایه‌دار و احمدخان مشیراعظم فرزند اتابک با دوربین دستی یا به اصطلاح آن زمان دوربین سفری کداک از مناطق مختلف از جمله معبد‌های بودایی و مکان‌های مقدس اسلامی در بیت‌المقدس عکس تهیه کرده‌اند که تعدادی از این عکس‌ها در سفرنامه مکه مهدی‌قلی خان هدایت چاپ شده است. این سفرنامه با عنوان سفرنامه تشریف به مکه معظمه زیر نظر مرحوم مهدی‌قلی خان هدایت چاپ شده است. این کتاب در سال ۱۳۶۸ توسط آقای دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی تحت عنوان سفرنامه مکه تجدید چاپ شده است.

اما نخستین عکس‌های مکه معظمه و داخل محوطه خانه کعبه با تلاش سنوک هورخ رونیه شرق‌شناس هلندی برداشته شده است. بر اساس مدارک موجود این عکسها در سال ۱۸۸۹ میلادی از مکه معظمه تحت عنوان عکس‌هایی از مکه در کتابی با مشخصات زیر:

C. SNOUCK HURGRONJE: *BILDER AUS MEKKA*, E. J. BRILL, LEIDEN, 1889

در شمارگانی بسیار محدود توسط مؤسسه انتشارات بریل در هلند، بزرگترین ناشر کتابهای شرقی، منتشر شده است. این عکس‌ها برای هر جلد از کتاب جداگانه چاپ شده و در صفحات این کتاب چسبانیده شده‌اند. این کتاب امروزه جزو کتابهای نایاب



• هورخ رونیه

و نفیس بشمار می‌آید. در جستجویی که در مورد این مجموعه داشتم دریافتم که این کتاب در حراجی‌های بزرگ مانند ساتبیز عرضه می‌گردد و یک نسخه از آن در موزه ملی آمستردام (موزه ریکس) نگهداری می‌شود.

هورخ رونیه در مقدمه‌ای که به زبان آلمانی بر این آلبوم نوشته، آورده است که با توجه به منع ورود غیر مسلمان به مکان‌های مقدس، این عکس‌ها توسط یک طبیب عرب از اهالی مکه که عکاسی و طرز کار با دوربین را خود هورخ رونیه به وی آموخته بوده، برداشته شده است. اما در این مقدمه سخنی درباره‌ی چرایی و چگونگی سفر و اقامتش در مکه، جزئیات عکاسی و نحوه‌ی بکارگیری ابزار عکسبرداری در مکه سخنی به میان نیاورده است تا روشن سازد که با توجه به بزرگی وسایل عکاسی در آن دوران، احتمال دیده شدن دوربین و ابزار عکاسی و حساسیت برانگیز و خطرناک بودن عکاسی از مکان‌های مقدس چگونه این تصاویر را به ثبت رسانده‌اند.

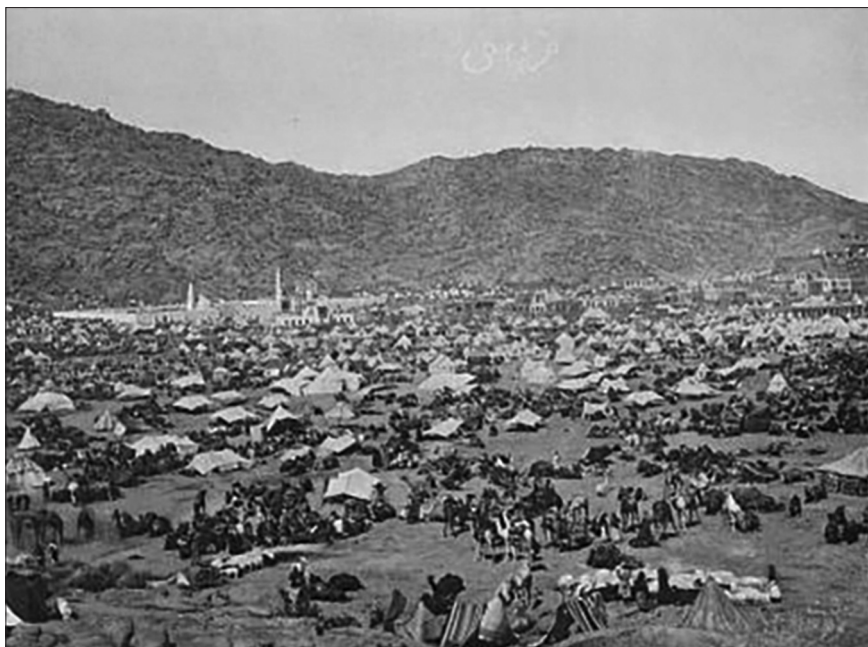
هورخ رونیه در مقدمه‌ی این مجموعه عکس که آن را در فاصله‌ی کوتاهی پس از انتشار اطلس مصور شهر مکه به چاپ رسانیده توضیح می‌دهد:

کمی پس از انتشار اثر دو جلدی من مکه با اطلس مصور بسته‌ای حاوی عکس‌هایی بسیار جالب از مکه دریافت کردم. این عکس‌ها را یک پزشک اهل مکه که در دوره‌ی اقامتم در آن دیار به او عکاسی آموخته بودم به تازگی



• نسخه موجود در موزه ملی امستردام، هلند - موزه ریکس Rijksmuseum

برداشته بود. با دیدن این مجموعه شادی و خوشوقتی من از کامل بودن مجموعه عکس‌هایم در کتاب اطلس مکه زایل گشت. زیرا برای افزودن این عکس‌های بسیار جالب به اطلس که بدون شک ارزش بیشتری به مجموعه من می‌بخشید دیگر دیر شده بود. اگر عکس‌های این مجموعه قبلاً در اختیار من قرار گرفته بود حق انتخاب و امکان بیشتری در برگزیدن نماهای شهر مکه داشتم. این عکس‌ها به خوبی می‌توانستند نمایانگر مراسم و جشن‌های گوناگونی باشند که مردم مکه برگزار می‌کنند. اما دیگر چیزی قابل تغییر نبود و امکان ضمیمه کردن این عکس‌ها به اطلس مکه تقریباً غیر ممکن بود زیرا باعث افزایش هزینه‌هایی می‌گردید که توسط موسسه سلطنتی هلند و هند برآورد شده بود. از این رو بهتر آن دیدم که ناشر آن عکس‌ها را به عنوان پیوست اطلس مکه عرضه دارد تا در عین حال کسانی که به خاستگاه اسلام علاقمندند بتوانند با کاربردی جداگانه از آن استفاده کنند. طبیعتاً بسنده کردن به زیرنویسی مختصر در شرح و معرفی عکس‌ها کافی و وافی به مقصود نبود و در این مورد نزدیک بود به چاپ خلاصه‌ای از متن اصلی اثر تازه به چاپ رسیده اطلس مکه و نوشته‌های قبلی خودم و دیگران راجع به مکه و خانه کعبه اقدام کنم زیرا آشنایی با این تصاویر گام



• از کتاب اطلس مکه

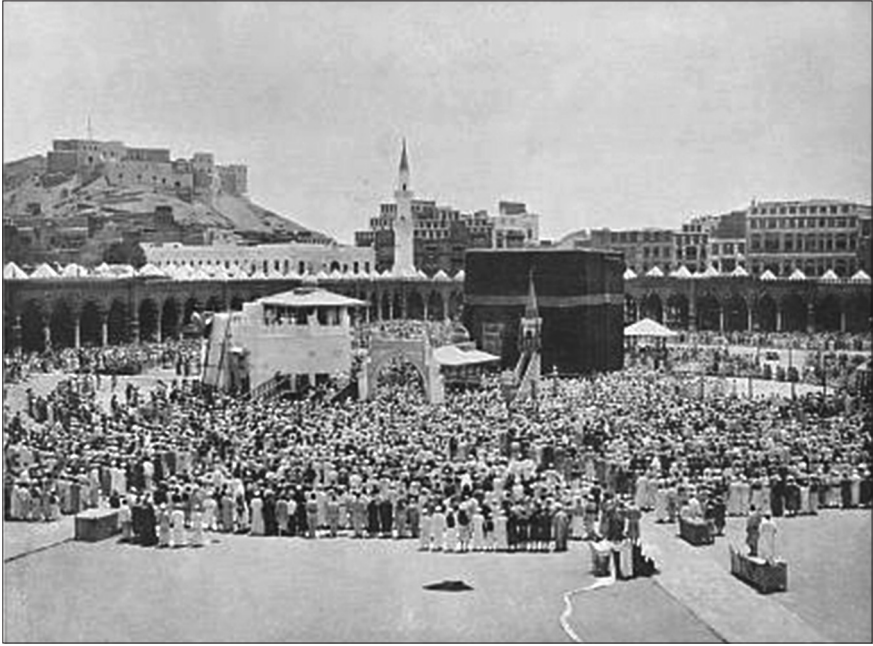
اولیه در استفاده از اطلس مکه بود و کسی که چنین اطلاعات و زمینه ذهنی داشته باشد می‌تواند به هدفمند بودن این تصاویر پی ببرد...

اما به هر دلیل نویسنده در درج توضیح برای این مجموعه تصویری، تنها به شرحی مختصر در معرفی هر یک از عکس‌ها پرداخته است.

بیشتر تصاویر این مجموعه که شامل بیست عکس است و به روی هجده صفحه چسبانیده شده، در زمان مراسم و مناسک حج برداشته شده و بیان از نحوه اقامت زائرین در صحرای اطراف خانه کعبه و انجام مراسم حج را دارد. اما عکاس با برگردانیدن دوربین به سمت مکه تصاویری نیز از شهر مکه و نحوه شهرسازی و ساختمان‌های مکه در اواخر قرن نوزدهم ثبت نموده است.

هورخ رونیه در فاصله سال‌های ۸۵-۱۸۸۴ در مکه بسر می‌برده و طی این سال‌ها به عکسبرداری از مردم عربستان پرداخته است که به نوعی مردم‌نگاری آن دوران در عربستان خوانده می‌شود و این عکس‌ها نیز در همان سال‌ها در مجموعه‌هایی به چاپ رسیده است.

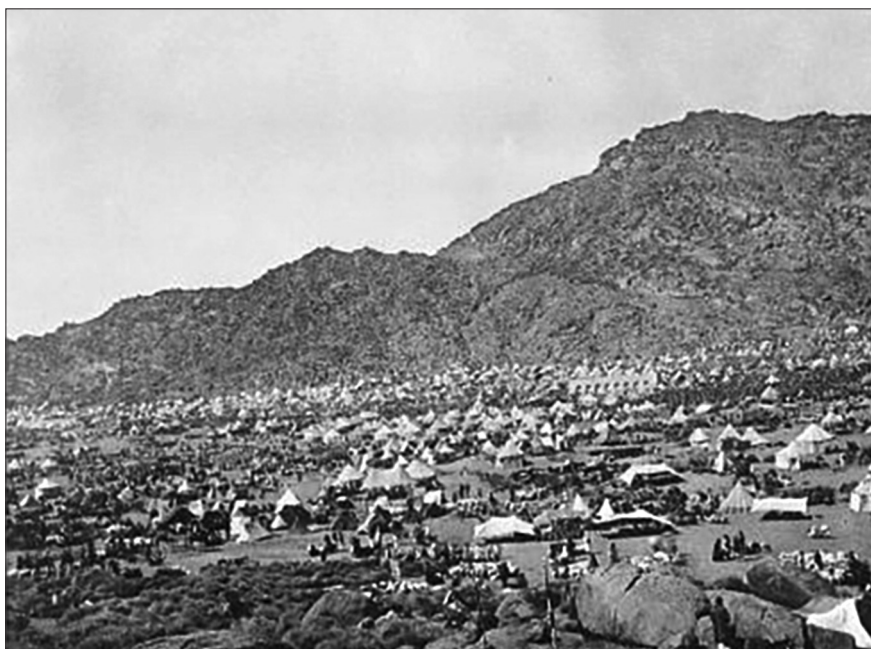
همچنین هورخ رونیه که سال‌ها در اندونزی و سوماترا ساکن بوده در آنجا نیز به مردم‌نگاری پرداخته است، از مردم‌نگاری‌های وی در سوماترا و عربستان در مجموعه کتابخانه دیجیتال قطر نمونه‌های زیادی موجود است.



۴۹۵



• از کتاب اطلس مکه



۴۹۶



• از کتاب اطلس مکه



• از مجموعه کتابخانه دیجیتال قطر

لازم به ذکر می‌دانم که در فضای مجازی مطلب کوتاهی درباره این عکس‌ها نوشته شده که در آن مطلب اشاره‌ای به تاریخچه این عکس‌ها نشده و در ضمن نویسنده هورخ رونیه را به عنوان عکاس معرفی کرده در صوتی که وی به صراحه در مقدمه چاپ کتاب عکاس را پزشکی از اهالی مکه معرفی کرده است. و تعدادی از تصاویر همراه این مطلب هم مربوط به کتاب مکه هورخ رونیه نیست بلکه از آرشیو کتابخانه دیجیتال قطر برداشته شده که در آن مخزن به صراحت آمده است که هورخ رونیه عکس‌ها را در سوماترا برداشته است و تاریخ چاپ عکس‌ها به ۱۸۸۸ یعنی یک سال قبل از چاپ کتاب مکه ذکر شده است.

مورد دیگری از عکسبرداری از مکه در سال ۱۹۲۳ به ثبت رسیده که توسط «مریان سی کوپر» Merian C. Cooper فیلم‌ساز و کارگردان مشهور به همراه ارنست شودساک Ernest B. Schoedsack عکاس و فیلمبردار مطرح تاریخ سینما انجام یافت اما متأسفانه همه این عکسها و نگاتیوها در راه بازگشت و در آتش‌سوزی کشتی که مریان کوپر و شودساک با آن سفر می‌کردند از بین رفت و چیزی از آن تصاویر باقی نمانده است.

کوپر و شودساک با همکاری یکدیگر فیلم‌های متعددی ساخته‌اند و از پیشگامان مستندسازی و نوآوران سینما بشمار می‌آیند. از آن جمله، فیلم «علف» ساخته کوپر

و با فیلمبرداری و عکاسی شودساک که نمایشگر کوچ ایل بختیاری است از نخستین آثار مستند و ارزشمند در تاریخ سینما بشمار می‌آید.

گردآوری و مستندسازی دیگری از تصاویر ثبت‌شده از مکه توسط جناب آقای مهرداد اسکویی پژوهشگر، عکاس و فیلمساز به نام، به چاپ رسیده است. مجموعه که با همکاری ایشان و گروه پژوهشگران با نام حج به روایت کارت‌پستال‌های تاریخی، توسط نشر گمان و انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است، حاصل تلاش ایشان و همکارانشان از سال ۱۳۸۸ است. پژوهش ایشان در قالب دلتیالوژی *Deltiology* به انجام رسیده است. در باب توضیح این کلمه باید اشاره کرد که این نوع تحقیق تنها به گردآوری و چاپ مجدد کارت‌پستال‌ها بسنده نمی‌کند و به آنها از منظر ناشر و سال چاپ، تاریخچه ثبت‌شده درباره کارت‌پستال، مجموعه یا تک بودن کارت‌پستال چاپ شده و سایر اطلاعاتی که می‌توان پیرامون هر کارت‌پستال بدست آورد، توجه می‌کند.

### منابع و مأخذ:

- ذکاء، یحیی: تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.
- هدایت، مهدی‌قلی (مخبرالسلطنه): سفرنامه مکه، به کوشش محمد دبیرسیاقی، انتشارات تیراژه، تهران، ۱۳۶۸.
- مستوفی، عبدالله: شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، انتشارات زوار، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- HURGRONJE, C. SNOUK : *BILDER AUS MEKKA, E.J. BRILL, LEIDEN, 1889*

- وبسایت ساوتبیز [sothebys.com](http://sothebys.com)

- وبسایت فارسی ویکی‌پدیا [fa.wikipedia.org](http://fa.wikipedia.org)